

گردشگری حامی فقرا با رویکرد انتقادی

ابتهال زندی*

استادیار گروه مدیریت گردشگری و هتلداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۰۸

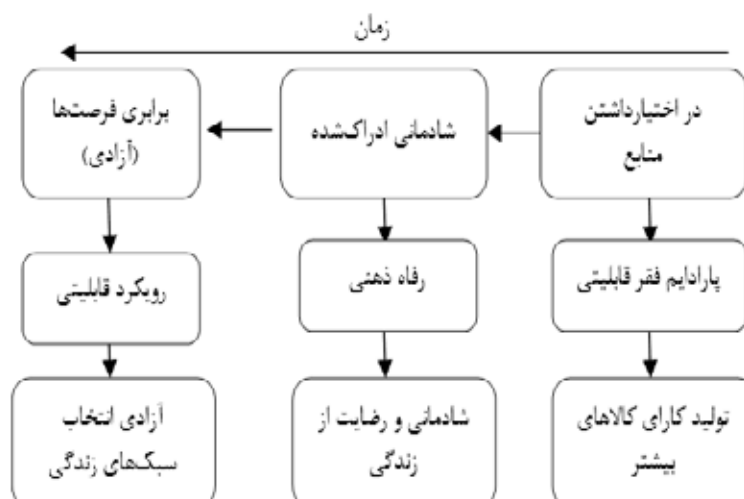
تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۱

چکیده کاهش فقر یکی از موضوعات اصلی استراتژی‌های توسعه در سرتاسر جهان است. فقر برآیند تعامل فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و تنها با رشد اقتصادی و توزیع مجدد درآمد، این مشکل مرتفع نمی‌شود. بنابر نظر برخی صاحب نظران، از دهه ۱۹۷۰ گردشگری ابزاری برای توسعه بوده و نقش آن در کاهش فقر و به ویژه فقر قابلیت‌ی از اواخر دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفته است و از آن زمان گردشگری حامی فقرا به سرعت به روشی شناخته‌شده و ارزشمند در جهت کاهش فقر تبدیل شد. بنابراین هدف گردشگری حامی فقرا بهبود دسترسی فقرا به بخش گردشگری و فراهم کردن یک منبع درآمد برای آنهاست. اما گردشگری حامی فقرا منتقدین خاص خود را نیز دارد و آنان بر این عقیده هستند که در گردشگری حامی فقرا، اولویت با کاهش فقر است و محافظت دارای اهمیت ثانویه است که این خود صدماتی بر محیط زیست، اقتصاد و فرهنگ وارد می‌کند و به همین دلیل نمی‌توان ادعا کرد که این نوع از گردشگری می‌تواند منجر به کاهش فقر (فقر قابلیت‌ی) در تمام ابعاد شود. به همین منظور پژوهش حاضر، در پی تلفیق دو مقوله فقر و توسعه گردشگری بوده و بر آن است تا از طریق روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات اسنادی و با تحلیل آرای صاحب نظران این حوزه چالش‌های گردشگری حامی فقرا را در ۹ گروه با رویکردی انتقادی دسته‌بندی کرده و مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

واژگان کلیدی | توسعه گردشگری، فقر، گردشگری حامی فقرا، رویکرد انتقادی.

ریشه‌های اصلی آن در فقدان شرایطی است که امکان خروج از وضعیت فقر را برای افراد فقیر فراهم می‌کند (محمودی و صمیمی فر، ۱۳۸۴، ۳). تاکنون تعابیر مختلفی از فقر ارائه شده است. در تعریف بانک جهانی از فقر بر میزان درآمد و مصرف شخصی تأکید می‌شود. برخی دیگر از نهادها و نویسندگان عناصری از توسعه انسانی و محرومیت را در تعریف خود به کار می‌برند. مثلاً در شاخص توسعه انسانی که از سوی برنامه توسعه سازمان ملل^۲ ارائه شده معیارهایی از قبیل قدرت خرید واقعی، تحصیلات و سلامتی به کار می‌رود (Elliot, 2006, 57). اما به طور کلی در تعریف فقر شش عنصر وجود دارد: ۱. فقدان درآمد و دارایی، ۲. گرسنگی، ۳. عدم دسترسی به زیرساخت‌های اساسی مانند سرپناه، آب آشامیدنی، انرژی، و حمل و نقل، ۴. عدم دسترسی به آموزش که تنها راه نجات آنها از چرخه فقر است، ۵. بیماری، و ۶. محرومیت اجتماعی (Rogers, Jalal & Boyd, 2008, 220). بنابراین نگاهی به تعاریف متعدد فقر نشان می‌دهد که انسان به چیزی بیش از نیازهای فیزیکی احتیاج دارد (Whitman, 2008, 5) و منظور از فقر تنها نداشتن درآمد نیست (Worldwatch Institute, 2008, 168). تصویر ۱ سیر تکاملی مفهوم فقر را نشان می‌دهد.

مقدمه یکی از موضوعات اصلی استراتژی‌های توسعه در سرتاسر جهان کاهش فقر است (Bhowmik & Saha, 2013, 1). چرا که فقر به طرق مختلف بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد و اثرات آن نیز طولانی و گسترده است. فقر به رشد انسانی لطمه وارد کرده، توسعه انسانی را محدود ساخته و مانع سرمایه‌گذاری انسانی لازم جهت دستیابی به رفاه خانواده می‌شود و از آنجایی که برآیند تعامل فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، تنها با رشد اقتصادی و توزیع مجدد درآمد، این مشکل مرتفع نمی‌شود. شواهد بسیاری نشان می‌دهد که علی‌رغم رشد اقتصادی، در بسیاری از کشورها هنوز جنبه‌های غیر اقتصادی فقر بیداد می‌کند و شاخص‌های اجتماعی و توسعه انسانی وضعیت اسفباری را نشان می‌دهد. بدین ترتیب بود که به تدریج بسیاری از اندیشمندان اقتصادی و در رأس آنان «سن»^۱ و «محبوب الحق»^۲ دریافتند که توجه صرف به درآمد برای کاهش فقر دچار کاستی‌هایی جدی است و نمی‌تواند ابعاد مختلف فقر را از بین ببرد. براساس این نگاه ریشه و علت اصلی فقر را نمی‌توان کمبود یا نبود درآمد دانست، بلکه



تصویر ۱. سیر تکاملی مفهوم فقر. مأخذ: Croes, 2012, 91.

در فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌های توسعه را شامل می‌شود و تا زمانی که فقرا مزایایی از گردشگری به دست می‌آورند، می‌توان آن را «گردشگری حامی فقرا» نامید؛ حتی اگر سهم افراد متمول بیشتر از فقرا باشد (Harrison, 2008). یعنی فقر نسبی به طور مطلق کاهش می‌یابد، حتی اگر نابرابری افزایش یابد (میچل و اشلی، ۱۳۹۲، ۳۷).

مهمترین اثری که برای گردشگری حامی فقرا ذکر شده ایجاد فرصت‌های متعدد (Ashley et al., 2001, 3) به ویژه در حوزه اشتغال و مشارکت گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه در تولید کالاها و خدمات گردشگری است (Croese, 2012, 93). کاکوانی و پرنیا^۱ آن را طرحتی می‌دانند که فقرا را قادر می‌سازد تا به گونه‌ای فعال در فعالیت‌های اقتصادی شرکت کرده و از آن منتفع شوند (Wearing, 2008, 58). تصویر ۲ رابطه بین گردشگری و مناطق کم‌درآمد و محروم به صورت مستقیم، غیرمستقیم و پویا چه از بخش‌های گردشگری و چه از بخش‌های غیر گردشگری را نشان می‌دهد (Mitchell, 2019; Mitchell & Ashley, 2010) (Medina-Muñoz & Gutierrez-Perez, 2016) (تصویر ۲):

درواقع گردشگری حامی فقرا یک نوع محصول و یا یک نوع خاص گردشگری نیست، بلکه هر نوع از گردشگری-حتی گردشگری انبوه (Harrison, 2008) می‌تواند حامی فقرا و به نفع آنها باشد (Goodwin, 2006, 5). به عبارت دیگر، گردشگری حامی فقرا نگرشی است که نیازمند مدیریت در جهت آگاهی از روش‌هایی است که می‌تواند روی فقر، سرمایه‌گذاری در جهت کاهش آن، ایجاد فرصت‌هایی به منظور مشارکت افراد فقیر در این صنعت و... مؤثر باشد (Roe, Goodwin & Ashley, 2002, 4) با این وجود تعبیر غلطی از گردشگری حامی فقرا وجود دارد که در جدول ۱ به برخی از آنها اشاره شده است.

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان مهمترین ویژگی‌های گردشگری حامی فقرا را به صورت زیر بیان کرد (ibid):

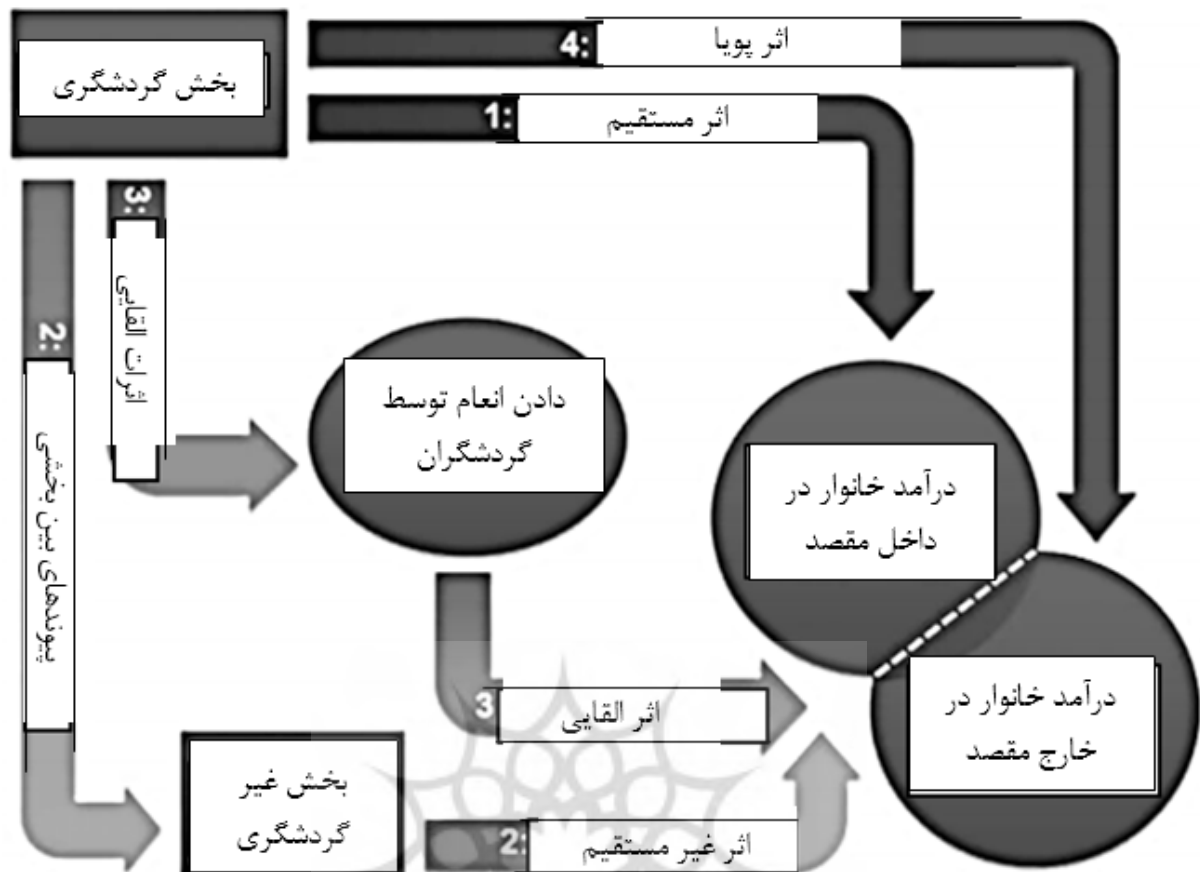
- جریان توزیع، مزایای گردشگری را به سوی فقرا هدایت می‌کند؛

تجربه نشان می‌دهد که گردشگری و توسعه فزاینده آن، می‌تواند پیامدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روانشناختی و اقتصادی مختلفی را در پی داشته باشد و به عنوان یکی از ابزارهای گسترش تعاملات اجتماعی با جوامع بیرونی سبب می‌شود اجتماع شخصی افراد ورای اجتماعات محلی گسترش یابد (میچل و اشلی، ۱۳۹۲، ۱۱). تا جایی که بنابر نظر «هریسون»^۴ و «اسکیانی»^۵، از دهه ۱۹۷۰ گردشگری ابزاری برای توسعه بوده و نقش آن در کاهش فقر و به ویژه فقر قابلیت از اواخر دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفته است و از آن زمان گردشگری حامی فقرا به سرعت به روشی شناخته‌شده و ارزشمند در جهت کاهش فقر تبدیل شد (Wearing, 2008, 58). با این وجود تعدد برداشت‌های پیرامون گردشگری حامی فقرا می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها تأثیر منفی داشته باشد و در عدم فهم صحیح آن نیز مؤثر باشد. به همین دلیل، در این مقاله تلاش می‌شود تا برداشت‌های رایج از گردشگری حامی فقرا در آثار تولیدشده علمی مورد بررسی قرار گیرد و با رویکردی انتقادی نسبت به برخی از این برداشت‌های رایج، داده‌های مناسبی برای فهم و تحلیل گردشگری حامی فقرا ارائه شود. بدین منظور، دیدگاه‌های مثبت و منفی نسبت به آن ارائه شده و مورد نقد قرار می‌گیرد.

مبانی نظری

• گردشگری حامی فقرا^۶

گردشگری حامی فقرا، روش و دیدگاهی نسبتاً جدید در توسعه گردشگری است که به منظور افزایش دریافت سود خالص قشر فقیر از گردشگری و اطمینان از کمک رشد گردشگری به کاهش فقر، طراحی شده است (Ashley, Goodwin & Roe, 2001, 2). این نوع از گردشگری در پی فراهم کردن مزایایی^۷ ویژه برای فقراست که ممکن است اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و یا فرهنگی باشد. اهداف این نوع گردشگری از افزایش اشتغال محلی تا شرکت فعال مردم محلی



تصویر ۲. رابطه بین گردشگری و مناطق کم‌درآمد و محروم. مأخذ: برگرفته از Mitchell, 2019.

جدول ۱. تعابیر مختلف از گردشگری حامی فقرا. مأخذ: Harrison, 2008.

تعابیر غلط از گردشگری حامی فقرا	تعابیر درست از گردشگری حامی فقرا
ضد سرمایه‌داری	تمرکز بر یکی کردن و متحد کردن فقرا در بازار سرمایه‌داری از طریق افزایش فرصت‌های اشتغال و کارآفرینی و مزایای جمعی.
نظریه یا مدل	تحقیقات را به سمت منافع خالص از گردشگری سوق می‌دهد که می‌تواند برای مردم فقیر به‌دست آید (جنبه عملی می‌بخشد).
نوع جدیدی از گردشگری	برای هر نوع از گردشگری قابل کاربرد است، حتی اگر فقرا سود ببرند.
دارای روشی مشخص و معین	از روش‌های مختلف استفاده می‌کند، هیچ‌یک از روش‌ها مختص به گردشگری حامی فقرا نیست؛ از تجزیه و تحلیل زنجیره ارزش گرفته تا جمع‌آوری داده‌ها، روش‌های اقتصادی و ترسیم نقشه چگونگی مشارکت فقرا در برنامه‌ها.
ویژه فقرا	بهره‌مندی و سود افراد غنی از گردشگری را به رسمیت می‌شناسد.
تنها در مورد گرسنگی و نبود درآمد کافی است.	تعریف وسیعی از فقر از جمله کمبود آزادی، فرصت، قدرت، مهارت و آموزش را در برمی‌گیرد.
تنها مربوط به منافع شخصی	بر منافع جمعی تمرکز می‌کند؛ به عنوان مثال آب، بهداشت، سلامتی، آموزش، زیرساخت‌ها و...

- یک محصول خاص و ویژه نیست، بلکه هر نوع از گردشگری و در هر سطحی می‌تواند حامی فقرا باشد؛
- شامل انجام کسب و کارهای مختلف در جهت ایجاد سود و منفعت برای فقرا است؛
- تمرکز آن اغلب بر فقرا، مهاجران و خدمات ضعیف از قبیل بهداشت و آموزش و... است؛
- درصدد به حداکثر رساندن سود و به حداقل رساندن هزینه‌ها برای فقرا است؛

- فقرا را به مشارکت فعال در صنعت گردشگری تشویق می‌کند.
- بر منافع جمعی بیشتر از منافع فردی تأکید دارد.

پیشینه برنامه‌های گردشگری حامی فقرا

طبق نظر هریسون و اسکپانی از دهه ۱۹۷۰ گردشگری ابزاری برای توسعه بوده است و نقش آن در کاهش فقر از اواخر دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفت و از آن زمان گردشگری حامی فقرا به سرعت به روشی شناخته‌شده و ارزشمند در جهت کاهش فقر تبدیل شد (Wearing, 2008, 62). کار در زمینه این نوع گردشگری، در کمیسیون گردشگری پایدار که در سال ۱۹۹۹ در نیویورک برگزار شد، آغاز و در این راستا موضوعاتی جهت افزایش سهم این صنعت در کاهش فقر مورد تأکید قرار گرفت. از جمله این موضوعات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (Chok, Macbeth & Warren, 2017):

- اشتغال: لزوم به‌کارگیری ساکنان محلی با دستمزد مناسب در مشاغل گردشگری توسط سازمان‌های مرتبط؛
- توسعه مؤسسات کوچک: لزوم در اختیار گذاشتن تسهیلات لازم جهت کمک به توسعه مؤسسات کوچک با حمایت‌های فنی، بازاریابی و دسترسی به ضمانت؛
- زنجیره‌های اقتصادی محلی: لزوم تأمین محلی غذا و دیگر کالاها و خدمات مورد نیاز تا حد امکان؛
- تقسیم خدمات: اجازه دسترسی ساکنان محلی به خدماتی که در اختیار گردشگران قرار داده می‌شود از جمله زیرساخت‌ها، امنیت، ارتباطات، بهداشتی، درمانی و...؛
- حمایت از دسترسی ساکنان محلی به منابع طبیعی؛
- کاهش اثرات فرهنگی منفی: ترویج رسوم فرهنگی به شیوه‌ای مناسب و بیان توصیه‌های لازم به‌منظور رفتار و پوشش مناسب؛
- اجتناب از وابستگی کامل به گردشگری از طریق ایجاد تنوع در تولیدات و بازارها و زنجیره‌های اقتصادی و...؛
- مشارکت در فرآیندهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری: تهیه یک خط مشی مشارکت و تشویق ساکنان محلی به مشارکت در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی.

پس از این گزارش اداری از گردشگری و فقر که در سال ۱۹۹۹ توسط «دلوات» و «توش»^۹ تهیه شده بود، مؤسسه بین‌المللی محیط زیست و توسعه^{۱۰} و مؤسسه توسعه ماوراء بحار^{۱۱} هزینه‌های مالی تحقیقات درخصوص تجارب راهبردی استفاده از گردشگری حامی فقرا را تأمین کردند. این کار به صورت مشترک از سوی مؤسسات مذکور، به همراه مؤسسه بین‌المللی گردشگری مسئولانه^{۱۲} در دانشگاه گرینویچ در سال ۲۰۰۱ و در کشورهای هدف انجام شد. به فاصله‌ای اندک، اشاره به گردشگری حامی فقرا در سند سازمان جهانی جهانگردی در خصوص فقرزدایی، حمایت‌های اساسی‌تری را جلب کرد. این گزارش در آگوست ۲۰۰۲، در اجلاس جهانی توسعه پایدار^{۱۳} که در ژوهانسبورگ برگزار شد، منتشر و سازمان جهانی جهانگردی همچنین برنامه‌های پژوهشی تازه‌ای را با عنوان «گردشگری پایدار و از بین بردن فقر (استپ^{۱۴})» شروع کرد. این برنامه همزمان با

فراهم کردن منابع مالی برای آن دسته از پژوهش‌هایی که درصد کشف روابط علت و معلولی میان انواع گردشگری و فقرزدایی هستند، حمایت‌های مالی برای برخی برنامه‌های اجرایی را نیز تأمین می‌کند (Gartner, 2008, 268).

سازمان جهانی جهانگردی هفت روش مختلف برای پرداختن به فقر از طریق گردشگری مشخص کرده است که به گفته این سازمان تقریباً در همه کشورهای قابل اعمال هستند؛ این هفت روش عبارتند از (ibid):

۱. استخدام فقرا در مؤسسه‌های گردشگری.
۲. تأمین کالا و خدمات برای مؤسسه‌های گردشگری توسط فقرا و توسط مؤسسه‌هایی که فقرا را استخدام می‌کنند.
۳. فروش مستقیم کالا و خدمات به بازدیدکنندگان توسط فقرا (اقتصاد غیررسمی^{۱۵}).
۴. تأسیس و اداره کردن مؤسسه‌های گردشگری توسط فقرا؛ به‌عنوان مثال مؤسسه‌های خرد، کوچک، و متوسط (MSMEs) یا مؤسسه‌های مبتنی بر اجتماع (اقتصاد رسمی).
۵. وضع مالیات بر درآمد یا سود گردشگری با اقداماتی که به نفع فقراست.
۶. حمایت داوطلبانه توسط مؤسسه‌های گردشگری و گردشگران. سرمایه‌گذاری در شالوده‌های به وجود آمده توسط گردشگری که به‌صورت مستقیم یا از طریق حمایت از بخش‌های دیگر، به نفع فقرای آن مکان است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر، در پی تلفیق دو مقوله فقر و توسعه گردشگری است؛ نوع تحقیق به صورت توصیفی-تحلیل و مطالعات اسنادی است و بر آن است تا ابتدا از طریق مطالعه کتابخانه‌ای به معرفی گردشگری حامی فقرا و ویژگی آن پرداخته و در ادامه با عنایت به وجود نکات بسیار با اهمیت و لزوم توجه به آنها جهت تأثیرگذاری هرچه بیشتر برنامه‌های گردشگری حامی فقرا ضمن تجزیه و تحلیل محتوایی مفاهیم و داده‌های ثانویه با رویکردی انتقادی که خود ابزاری است برای تجزیه و ارزیابی استدلال‌های موجود، مسائل چالش‌برانگیز در گردشگری حامی فقرا و نقش آن در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پایدار را نیز مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

بررسی گردشگری حامی فقرا با رویکرد انتقادی

با وجود تمامی ویژگی‌های مثبت گردشگری حامی فقرا اما اغلب، فقرا از بخش گردشگری محلی کنار گذاشته شده و قادر به عرضه کالاها و خدمات خود نیستند. بنابراین هدف گردشگری حامی فقرا بهبود دسترسی فقرا به بخش گردشگری و فراهم کردن یک منبع درآمد برای آنهاست (Sharpley & Telfer, 2008, 54). به بیان ساده‌تر، گردشگری حامی فقرا یک ابتکار اجرایی است که در پی افزایش منافع خالص گردشگری برای فقرا بوده و تلاش می‌کند نحوه توزیع منافع اقتصادی همه انواع گردشگری (از جمله گردشگری انبوه) را به نفع

افراد فقیری تغییر دهد که خارج از بخش رسمی گردشگری قرار دارند یا توانایی دسترسی به این بخش را ندارند (Sharpley, 2009, 76). این صنعت به عنوان یکی از منابع درآمد و اشتغال در سطح ملی می‌تواند رهیافتی برای توسعه اقتصادی باشد (Sing, 2018). تا جایی که گردشگری در سید صادراتی کشورهای کمتر توسعه‌یافته به مراتب از جایگاه مهمتری نسبت به معدن برخوردار است. سهم قاره آفریقا از گردشگری جهانی (حدود ۵.۵۰ میلیون گردشگر در ۲۰۰۶ یا ۶ درصد گردشگران جهانی از ۸۵۱ میلیون نفر) به مراتب بیشتر از سهم متوسط تجارت جهانی‌اش است. کشورهای فقیر زیادی از قبیل اتیوپی و گامبیا وجود دارند که مقصدهای کوچکی در مقیاس بین‌المللی هستند، اما گردشگری سهم مهمی در اقتصاد آن کشورها را به ترتیب از ۲۸.۸ درصد و ۳۳.۱ درصد از کل صادرات تشکیل می‌دهد (میچل و اشلی، ۱۳۹۲، ۳۰).

میچل و اشلی ذکر می‌کنند در سال ۲۰۰۸، ۴۰ درصد از ۹۲۴ میلیون مسافرت‌های توریستی خارجی به مقصد کشورهای در حال توسعه انجام شد. کمک‌هایی که به واسطه هزینه کرد گردشگران بین‌المللی نصیب این کشورها شده به مراتب بهتر از کارگزاران و سازمان‌های توسعه در کشورهای فقیر بوده است. گردشگران در سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، در کشورهای در حال توسعه نزدیک ۳۰۰ میلیارد دلار پول خرج کرده‌اند که تقریباً سه برابر میزان کمک‌های رسمی توسعه بوده است که می‌تواند بزرگترین انتقال داوطلبانه منابع جهان از مردم غنی به مردم فقیر به شمار آورد (همان، ۱۳). بنابراین گردشگری به خصوص در زمانی که سود فعالیت‌های دیگر بخش‌های اقتصادی در حال کاهش باشد، جایگزینی مناسب برای آنها و راهبردی برای توسعه است و می‌تواند با فراهم کردن سرمایه برای توسعه زیرساخت‌ها فرصت‌هایی جهت کسب درآمد، تعامل با افراد خارجی، دستیابی به بازارهای مختلف و تشویق به حفظ سرمایه‌های فرهنگی و طبیعی را به وجود آورد. همچنین جوامع روستایی از طریق بهبود زندگی افراد محلی، می‌توانند به حیات خود ادامه داده (Spencely & Seif, 2003) و حتی از این طریق جلوی مهاجرت افراد جوان و با استعداد روستا تا حدی گرفته شود (Alvarez, 2012). بر این مبنا دلیل اصلی توسعه گردشگری، غلبه بر پایین بودن سطح درآمد و ارائه فرصت‌های جدید شغلی و تحولات اجتماعی در جامعه محلی است و می‌تواند امیدهایی را برای کاهش فقر به خصوص در ناحیه‌هایی که به نحوی دچار رکود اقتصادی شده‌اند، فراهم آورد (حاجی محمد امینی، ۱۳۸۷، ۲۲۸).

یافته‌های پژوهش

• مسائل چالش‌برانگیز در گردشگری حامی فقرا

- توسعه گردشگری و کاهش فقر

سؤال و چالش بسیار مهم در این بخش آن است که آیا توسعه گردشگری در یک منطقه واقعاً منجر به کاهش فقر در آن منطقه می‌شود یا خیر؟ عده‌ای از صاحب‌نظران و در رأس آنها (Holden, 2013) بر این عقیده است که صنعت گردشگری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هنوز جایگاه خود را نیافته است و هنوز مقامات ملی و بین‌المللی از پتانسیل گردشگری جهت کاهش فقر اطلاع چندانی ندارند و همین عدم آگاهی منجر به عدم هماهنگی و همکاری بین ذینفعان مختلف گردشگری، تعهد کم بخش خصوصی در اجرای مسئولیت‌های اجتماعی و عمل در جهت کاهش فقر می‌شود. به علاوه در برخی از این کشورها وجود نوسانات تقاضای گردشگری ناشی از عوامل خارجی، به عنوان مثال تروریسم، بلایای طبیعی، رکود اقتصادی، ساختارهای اقتصادی-سیاسی و تغییر سلیقه بازار خود منجر به توجه کم به این بخش به عنوان یک راه اصلی در توسعه و کاهش فقر می‌شود. همچنین در مواقعی لزوم حفظ کیفیت و پایداری منابع طبیعی و فرهنگی برای گردشگری خود می‌تواند به عنوان مانعی برای توسعه تلقی شود (Holden, 2013, 133) (تصویر ۴).

- بناشدن گردشگری بین‌المللی بر نابرابری

به طور کلی گردشگری بین‌المللی (طبق اصول گردشگری حامی فقرا که در صدد تشویق گردشگران به بازدید از اماکن کمتر توسعه‌یافته و فقیر است) بر وجود نابرابری بین گردشگران و افراد محلی فقیر استوار است که این امر خود می‌تواند تبعاتی را به دنبال داشته باشد و

افراد فقیری تغییر دهد که خارج از بخش رسمی گردشگری قرار دارند یا توانایی دسترسی به این بخش را ندارند (Sharpley, 2009, 76). این صنعت به عنوان یکی از منابع درآمد و اشتغال در سطح ملی می‌تواند رهیافتی برای توسعه اقتصادی باشد (Sing, 2018). تا جایی که گردشگری در سید صادراتی کشورهای کمتر توسعه‌یافته به مراتب از جایگاه مهمتری نسبت به معدن برخوردار است. سهم قاره آفریقا از گردشگری جهانی (حدود ۵.۵۰ میلیون گردشگر در ۲۰۰۶ یا ۶ درصد گردشگران جهانی از ۸۵۱ میلیون نفر) به مراتب بیشتر از سهم متوسط تجارت جهانی‌اش است. کشورهای فقیر زیادی از قبیل اتیوپی و گامبیا وجود دارند که مقصدهای کوچکی در مقیاس بین‌المللی هستند، اما گردشگری سهم مهمی در اقتصاد آن کشورها را به ترتیب از ۲۸.۸ درصد و ۳۳.۱ درصد از کل صادرات تشکیل می‌دهد (میچل و اشلی، ۱۳۹۲، ۳۰).

میچل و اشلی ذکر می‌کنند در سال ۲۰۰۸، ۴۰ درصد از ۹۲۴ میلیون مسافرت‌های توریستی خارجی به مقصد کشورهای در حال توسعه انجام شد. کمک‌هایی که به واسطه هزینه کرد گردشگران بین‌المللی نصیب این کشورها شده به مراتب بهتر از کارگزاران و سازمان‌های توسعه در کشورهای فقیر بوده است. گردشگران در سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، در کشورهای در حال توسعه نزدیک ۳۰۰ میلیارد دلار پول خرج کرده‌اند که تقریباً سه برابر میزان کمک‌های رسمی توسعه بوده است که می‌تواند بزرگترین انتقال داوطلبانه منابع جهان از مردم غنی به مردم فقیر به شمار آورد (همان، ۱۳). بنابراین گردشگری به خصوص در زمانی که سود فعالیت‌های دیگر بخش‌های اقتصادی در حال کاهش باشد، جایگزینی مناسب برای آنها و راهبردی برای توسعه است و می‌تواند با فراهم کردن سرمایه برای توسعه زیرساخت‌ها فرصت‌هایی جهت کسب درآمد، تعامل با افراد خارجی، دستیابی به بازارهای مختلف و تشویق به حفظ سرمایه‌های فرهنگی و طبیعی را به وجود آورد. همچنین جوامع روستایی از طریق بهبود زندگی افراد محلی، می‌توانند به حیات خود ادامه داده (Spencely & Seif, 2003) و حتی از این طریق جلوی مهاجرت افراد جوان و با استعداد روستا تا حدی گرفته شود (Alvarez, 2012). بر این مبنا دلیل اصلی توسعه گردشگری، غلبه بر پایین بودن سطح درآمد و ارائه فرصت‌های جدید شغلی و تحولات اجتماعی در جامعه محلی است و می‌تواند امیدهایی را برای کاهش فقر به خصوص در ناحیه‌هایی که به نحوی دچار رکود اقتصادی شده‌اند، فراهم آورد (حاجی محمد امینی، ۱۳۸۷، ۲۲۸).

در مقابل نویسندگانی چون بالچی و همکاران و جعفری و کریستای بر این عقیده هستند که توسعه گردشگری حامی فقرا منجر به وابستگی کشورهای جهان سوم به کشورهای توسعه یافته شده و از این منظر گردشگری نمی‌تواند درمانی برای فقر باشد چرا که وابستگی در بسیاری از موارد میزان شکاف بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را افزایش می‌دهد (Balci, Demek & Ertuna, 2001; Christie, 2002; Jafari, 1990) سهم گردشگری در توسعه یک منطقه چیزی نیست که بتوان آن را بدیهی در نظر گرفت. منتقدان مدعی‌اند که بخش عظیمی از مخارج

جدول ۲. نمونه‌هایی از ادعاهای مثبت و منفی در خصوص گردشگری حامی فقرا. مأخذ: میچل و اشلی، ۱۳۹۲، ۲۸-۲۹.

ادعاهای مثبت	ادعاهای منفی
عموماً خدمات و خصوصاً گردشگری به دلیل موانع اندک و رشد آسان‌تر، از بین بادوام‌ترین مسیرهای رشد در کشورهای در حال توسعه‌اند.	تا ۸۵ درصد منافع مفروض گردشگری از کشورهای در حال توسعه به دلیل قدرت گرداندگان تور بین‌المللی، مالکیت خارجی و گرایش بالای ورود گردشگری به بیرون نشت می‌کند.
با وجودی که ملزم به رعایت جانب احتیاط در تعمیم‌پذیری هستیم، رشد گردشگری راهبر یک واقعیت است و بخش گردشگری اغلب به لحاظ سهم نسبی‌اش در رشد اقتصادی سریع‌تر از بخش‌های صنعتی و کشاورزی حرکت می‌کند.	اشتغال بخش گردشگری فصلی، با دستمزد پایین و بهره‌کشانه است.
در مقایسه با بخش‌های دیگر، سهم نسبتاً بالای اشتغال گردشگری را کار غیر ماهر و نیمه‌ماهر تشکیل می‌دهد و برای بازار کار بین بخشی وسیع‌تری قابل دسترسی است.	اشتغال بخش گردشگری توسط آنهایی تأمین می‌شود که از مهارت‌هایی برخوردارند و برای فقرا قابل دسترس نیست.
از آنجایی که مشتری برای کالایی (مقصد گردشگری یا سیر و گردش) مسافرت می‌کند و به طور آگاهانه‌ای پول خرج می‌کنند، گردشگری فرصت‌هایی را برای بازارهای اقماری فراهم می‌کند.	فقرا به ویژه نسبت به هزینه‌های گردشگری آسیب‌پذیرند؛ صدمه حیات وحش به کشاورزی، هزینه‌های فرصت زمین، فقدان دسترسی به منابع طبیعی و تهی‌سازی آن.
گردشگری به یکی از مهمترین منابع تولید ناخالص ملی در خیلی از کشورهای کمتر توسعه یافته مبدل شده است.	گسترش گردشگری بخش‌های دیگر را از اشتغال تهی می‌کند، به زنجیره صنعتی شدن و نقصان‌های طولانی مدت در رفاه جمعیت منتهی می‌شود.



تصویر ۳. مسائل چالش‌برانگیز در گردشگری حامی فقرا. مأخذ: نگارنده.

توانایی مقصد برای تطبیق و تعادل نیازهای احزاب مختلف یک چالش بسیار قابل توجه است (Alvarez, 2012). به علاوه تصویر ۵ نشان می‌دهد که در سیستم معمول گردشگری نیروهای بازار و دولت تعیین‌کننده چگونگی اختصاص و هدایت

از بعد اجتماعی و فرهنگی حتی منجر به افزایش فقر از طریق کاهش اعتماد به نفس، عزت نفس، خودکم‌بینی، تقلید از رفتار گردشگران، کالایی‌شدن فرهنگ و ... شود. همچنین به دلیل ماهیت پراکنده گردشگری و وجود ذینفعان متعدد با منافع متنوع و اغلب متضاد،

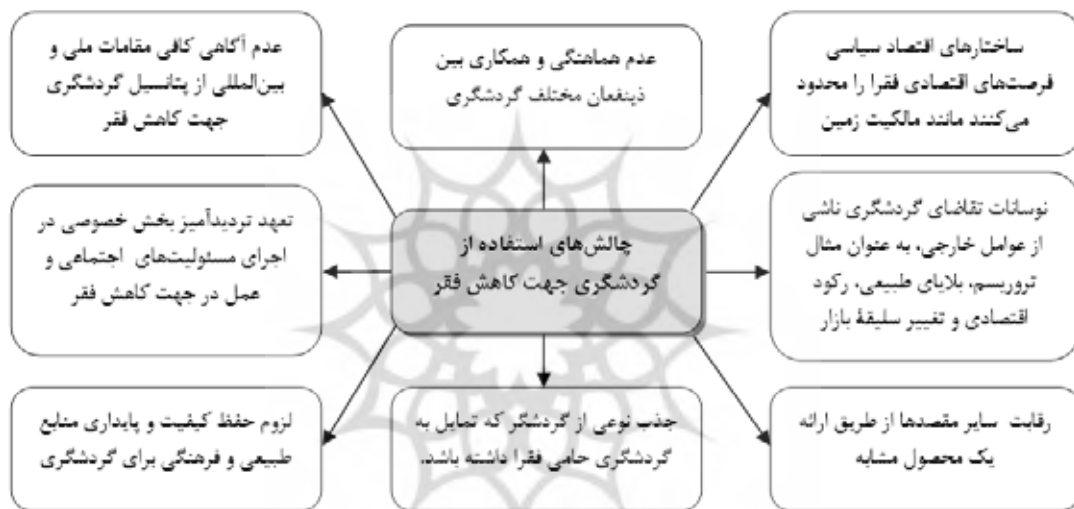
محلی (انرژی، آب تازه و...) داشته باشند که مردم محلی نتوانند عرضه کنند تا جایی که عواید حاصل از گردشگری نتواند هزینه‌های وارد شده را جبران کند (Spencely & Seif, 2003). نکته قابل توجه دیگر آن است که افراد ثروتمند بهتر قادر به پوشش پیامدهای منفی نوسانات اقتصادی از طریق بیمه، پس‌انداز و دارایی‌های ذخیره خود هستند اما افراد فقیر قادر به این پوشش نیستند (Sing, 2018) که این خود تبعاتی را هم برای گردشگران و هم افراد محلی به دنبال خواهد داشت.

- اعداد و ارقام معقول و منطقی نیستند.

این واقعیت که اکثریت عظیم گردشگران بین‌المللی هنوز هم از کشورهای غربی، به ویژه اروپا دیدن می‌کنند، منجر به زیرسؤال رفتن

منافع اقتصادی گردشگری هستند، اما گردشگری حامی فقرا به دنبال آن است که منافع خالص را عاید فقرا کرده و قصد ایجاد فرصت برای نفع اقتصادی، سایر منافع معیشتی و مشارکت در تصمیم‌گیری برای افراد فقیر را دارد. در عمل، در بسیاری از پروژه‌های به اصطلاح توسعه، ذینفعان اصلی فعالیت گردشگری اجزای اصلی غنی‌تر در اجتماع و شرکت‌های بین‌المللی درگیر، به جای اعضای ضعیف‌تر، فقیرتر جامعه بوده‌اند (United Nation, 2012).

افزون بر این، افزایش قیمت به دلیل رونق گردشگری بین‌المللی در یک منطقه خود می‌تواند باعث کاهش قدرت خرید فقیرترین افراد در آن منطقه شود (Blake, Arbache Sinclair, M.TheaTeles, 2008) همچنین گردشگران تجملی ممکن است تقاضای سنگینی از منابع



تصویر ۴. چالش‌های استفاده از گردشگری جهت کاهش فقر. مأخذ: Holden, 2013, 133.



تصویر ۵. تخصیص مخارج گردشگری در سیستم معمول گردشگری و سیستم گردشگری حامی فقرا. مأخذ: United Nation, 2012.

مسکن) نیست، بلکه شامل آزادی از بردگی، عزت نفس و... نیز است اما سؤالی که در این میان مطرح می‌شود آن است که آیا اشتغال در صنعت گردشگری ضرورتاً برابر با توسعه به نفع فقر است یا خیر؟ ترکیب این دو مفهوم موافقان و مخالفانی را دارد. مخالفان بر این عقیده هستند که سطوح دستمزدهای دریافتی توسط کارکنان ماهر و نیمه‌ماهر در بخش گردشگری تا حد زیادی براساس منطقه فرق می‌کند. یک دیدگاه رایجی در ادبیات وجود دارد که معتقد است گردشگری نیروی کار خیلی آسیب‌پذیر و استثمارشده ایجاد می‌کند. اسلوب و وایلد رمزینگ در تحلیل زنجیره ارزش گردشگری در شمال شرقی برزیل به زنانه‌شدن نیروی کار، میزان قراردادهای موقتی و ساعات نامنظم، فقدان پیشرفت شغلی و سطح پایین تشکل بخش گردشگری- زیر ۱۰ درصد- در هتل‌های تحت تملک شرکت‌های بین‌المللی اشاره می‌کنند. گفته می‌شود که این مسئله، مدیریت ناپایدار و کار غیر قومی را در صنعت گردشگری محلی تشدید می‌کند (به نقل از میچل و اشلی، ۱۳۹۲، ۸۴). اینکه اشتغال ده ساله در یک هتل هندی- جایی که شخص باید حداقل ۱۶ ساعت در روز و هرروز هفته کار کند، تنها یکبار در سال اجازه دیدن خانه را داشته و با سوء استفاده‌های فیزیکی و گفتاری معمول مواجه است- و یا گردشگری جنسی در ویتنام که از این طریق پول زیادی از گردشگران به دست می‌آید (Anderson, 2019) به درستی مثالی از اشتغال گردشگری است که در کاهش فقر مشارکت دارد؟ در حالی که این مثال ممکن است افراطی به نظر برسد مثال‌های بسیاری وجود دارد که حاکی از فقدان حقوق نیروی کار و استثمار نیروی کار در صنعت گردشگری است (Sing, 2018). حتی در جوامع فقیرتر افرادی که مهارت‌های زبان خارجی، اعتماد بنفیس، ارتباطات و سرمایه دارند متعلق به فقیرترین رده نیستند و باز آنها بیشترین مزایا را از توسعه گردشگری کسب می‌کنند و حتی ممکن است تلاش برای انتشار وسیع‌تر مزایای گردشگری به خاطر پارتی‌بازی و فساد محدود شود (Lee, Hampton & Jeyacheya, 2015). به علاوه بخش گردشگری با فرصت‌های شغلی فصلی و غیرماهرانه که شانس اندکی برای معیشت پایدار فقیران فراهم می‌کند خود مسائلی را به وجود می‌آورد که جای بحث دارد (ÖNEZ ÇETİN & ÖZGÜR, 2012). در مقابل کریستی و کرامتون اشاره می‌کنند تأثیر گردشگری در ایجاد مشاغل شرافتمندانه اغلب بهتر از آن است فرض شده است. کریستی و کرامتون اظهار می‌دارند که گردشگری نه تنها شغل ایجاد می‌کند، بلکه مشاغل خوبی را ایجاد می‌کند که در مقایسه با بخش‌های دیگر اقتصاد سالم‌تر، بی‌خطرتر و از شرایط کاری لذت‌بخش‌تری برخوردارند. مشاغل خدماتی در هتل‌ها نسبتاً از حقوق و دستمزدهای خوبی برخوردارند. به ویژه هنگامی که با انعام همراه باشد. در تحلیل بخش کوچک هتل در منطقه آروشای تانزانیا، شارما به این نتیجه رسید که کارکنان هتل ۱۵- ۲۰ درصد بالاتر از مشاغل مشابه دریافتی دارند. به علاوه بیشتر کارکنان هتل دارای قراردادهای دائمی‌اند و از مجموعه مزایایی بهره‌مندند که شامل سنوات، مرخصی و... است. چوی (۱۹۹۵) با بررسی نمونه

نقش گردشگری در اقتصاد کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته توسط هال شد. چرا که کشورهای توسعه‌یافته کوچک و با منابع کم بعید است که در شرایط برابر با کشورهای توسعه‌یافته‌تری که تولیدکننده اقتصادند رقابت کنند (Harrison, 2008). به علاوه آنها اغلب قادر به فراهم کردن کالا و محصولات دارای کیفیت بالای مورد نیاز گردشگران نبوده و به ناچار به منابع خارجی متوسل می‌شوند که این خود منجر به تسلط شرکت‌های چند ملیتی، واردات کالا و خدمات (Schyvens & Russel, 2009) و در نتیجه نشت اقتصادی در این جوامع خواهد شد و مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت (Alvarez, 2012).

- گردشگری حامی فقرا به عنوان ظاهر سازی

از نظر برخی نویسندگان مانند گادوین و آلورز به نظر می‌رسد گردشگری حامی فقرا به عنوان یک مد، روش تازه در صنعت گردشگری برای کسب اعتبار و نه به عنوان یک موتور رشد توسط برخی از ذینفعان مطرح شده است (Alvarez, 2012; Goodwin, 2006). تا از این طریق ذینفعان قدرتمند، فرصت‌ها را به نفع خود تغییر داده و زیر نقاب «انساندوستی» فعالیت کنند و برای خود اعتبار کسب کنند و از این طریق فعالیت‌های خود را توجیه کرده و به این شکل خود را از سایر رقبای خود متمایز کنند (Sing, 2018) اما در عمل هیچ تلاشی به نفع فقرا صورت نمی‌گیرد.

- تجارت‌ها برای سوددهی وجود دارند، نه برای خدمت به فقرا با توجه به اینکه اولویت اول هر تجارت و کسب و کاری بقا است، لذا ذینفعان اصلی در صنعت گردشگری نیز مانند هر صنعت دیگری به دنبال افزایش سود هستند (Ashley, Haysom & Poultney, 2005). بنابراین چرا باید فرض کرد که آنان تضمین‌کننده کاهش فقر از طریق تجارت و کسب و کارشان هستند و نسبت به این موضوع تعهد دارند؟ هرچند، طبق بیان اسکینوز، اعمال تجارت‌های دوست‌دار جامعه یا محیط‌زیست موجب حس خوب کاری می‌شود. اما باید به این نکته توجه کرد که این امر (کاهش فقر) در اولویت قرار ندارد (Sarah, 2015).

همچنین بسیاری از کشورهای کمتر توسعه‌یافته دارای اشکال متمرکز دولت بوده که در این کشورها، گردشگری عمدتاً به عنوان منبع درآمد و ارز خارجی مشاهده می‌شود. بنابراین، دولت مرکزی به طور کلی مایل به ترک کنترل نیست. طرح‌های گردشگری معمولاً براساس سیاست‌های ملی بوده، و بر روی دستاوردهای اقتصادی در سطح ملی، به جای توسعه متعادل منطقه‌ای و کاهش فقر تمرکز دارد (Alvarez, 2012).

- برنامه فقر نئولیبرال

نئولیبرالیسم نظریه‌ای در مورد شیوه‌هایی در اقتصاد سیاسی است که براساس آنها با گشودن راه برای تحقق آزادی‌های کارآفرینانه و مهارت‌های فردی در چارچوبی نهادی که ویژگی آن حقوق مالکیت خصوصی، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می‌توان رفاه و بهروزی انسان را افزایش داد. بنابراین این نظریه مؤید آن است که فقر تنها مربوط به عدم دستیابی به نیازهای اولیه زندگی (خوراک، پوشاک،

در برابر حفاظت بلندمدت بوده، منابع به کاررفته برای جذب گردشگر را در معرض خطر قرار داده و توانایی تداوم آن در آینده را به خطر بیندازد. بنابراین، الگوی پایداری را می‌توان به عنوان مانعی برای توسعه مشاهده کرد، زیرا باعث به وجود آمدن محدودیت در فعالیت گردشگری می‌شود (Sharpley, 2009) و اینکه در گردشگری حامی فقرا، اولویت با کاهش فقر است و محافظت دارای اهمیت ثانویه است که خود می‌تواند منجر به تخریب محیط زیست شود (Harrison, 2008). اما در گردشگری پایدار اولویت با حفظ محیط و فرهنگ است (Alvarez, 2012).

با توجه به توضیحات بالا و حمایت سازمان جهانی جهانگردی از توسعه گردشگری حامی فقرا، می‌توان مشاهده کرد که در جدول طیف توسعه پایدار، بنابر تعریف این سازمان از گردشگری حامی فقرا و به دلیل تأکید بر رشد اقتصادی، برابری بین نسل‌ها و همچنین حفظ محیط زیست در بخش ضعیف قرار می‌گیرد (Chok et al, 2017) (جدول ۳).

- گردشگری حامی فقرا، روستا و شهر...

تمرکز گردشگری حامی فقرا عمدتاً بر فقرای روستاست. طبق مطالعات سازمان ملل تعداد جمعیت شهری در سال ۲۰۳۳ در دنیای در حال توسعه ۴ میلیارد نفر خواهد بود؛ این بدان معناست که از هر ۳ نفر یک نفر در نواحی پایین شهر زندگی خواهد کرد. لازم به ذکر است نواحی پایین شهر فقرا دارای مزیت نسبی که گردشگری حامی فقرا در حال ارتقای آن است (چشم‌انداز بکر، حیات وحش، میراث و سنت‌های فرهنگی و...) نیست. بنابراین به نظر می‌رسد تحقق اهداف گردشگری حامی فقرا در شهرها با مشکلاتی رو به رو باشد (Sing, 2018).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در بررسی دیدگاه‌ها و فرض‌های توسعه گردشگری مشاهده می‌شود که گردشگری حامی فقرا ظهور نوع جدیدی از گردشگری نیست. این رویکرد جدید تلاش می‌کند تا انواع گردشگری موجود را بیشتر حامی فقرا سازد، به علاوه توجه به این نکته لازم است که فقر تنها پدیده اقتصادی نیست پس هر فردی که تلاش‌هایش را به نفع فقرا می‌نامد باید ماهیت چندبعدی فقر را کسب کند. اما در این بین حامی فقرا ساختن انواع گردشگری خود با مسائل و موانعی روبه‌رو است و می‌تواند در صورت عدم مدیریت صحیح اثرات زیان باری را نیز به دنبال داشته باشد. به همین منظور لازم است به نکات و چالش‌ها با دقت توجه کرد و اندیشید و چاره‌ای برای آن یافت. در این راستا به نظر می‌رسد توجه به موارد زیر بتواند راهگشا باشد:

- لزوم وجود الزامات قوی اخلاقی: گردشگری حامی فقرا نیازمند چیزی خواهد بود که چاک و همکارانش آن را تغییر بنیادین در ایدئولوژی، از اتکا بر بشر دوستی ظاهری، به بنیاد سخت‌تر اخلاقیات و رعایت عدالت بین‌المللی می‌نامند.

- مسائل فقرا باید با راهبردهای تصمیم‌گیری با تأکید بر برنامه‌ریزی مشارکتی تر تلفیق شود. برای پیاده‌سازی بهتر اقدامات، لازم است نتایج

موردی هاوایی کیفیت اشتغال گردشگری را تحلیل می‌کند. تحلیل نشان می‌دهد که صنایع خدماتی در هاوایی بزرگترین منشأ (۳۱ درصد) موقعیت‌های مدیریتی و دومین منشأ بزرگ (۴۰ درصد) موقعیت‌های فنی و حرفه‌ای‌اند. این تصور که صنعت گردشگری غالباً مشاغل با مهارت پایین را عرضه می‌کند با این یافته که بخش عمده‌ای (۲۵-۳۰) از این موقعیت‌های خدماتی مشاغل مهارتی و نظارتی‌اند در چالش قرار می‌گیرد (به نقل از میچل و اشلی، ۱۳۹۲، ۸۵).

- گردشگری حامی فقرا، تغییرات جوی و توسعه پایدار

انتشار گازهای گلخانه‌ای، به ویژه افزایش حجم دی اکسید کربن در جو منجر به تغییرات جوی بسیاری شده است. تا جایی که در جدیدترین نشریات کاهش حجم دی اکسید کربن به ۳۵۰ کیلوگرم در پایان قرن ۲۱ توصیه شده است. برای رسیدن به این هدف، انتشار گازهای گلخانه‌ای باید از ۲۰۱۵ هر سال ۳ درصد کاهش یابد. در نتیجه روشن است که گردشگری نیز مانند دیگر بخش‌ها ملزم به کاهش انتشار دی اکسید کربن است. این در حالی است که میانگین انتشار دی اکسید کربن در یک مسافرت طولانی مدت بین کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه ۱۹۹۰ کیلوگرم برای مسافرت هوایی و ۲۰۰-۴۰۰ کیلوگرم برای فعالیت‌های تفریحی است که حدود ۲۳۹۰ کیلوگرم در هر مسافرت را شامل می‌شود (Sing, 2018). به منظور توسعه گردشگری حامی فقر هواپیما وسیله حمل و نقل اصلی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است که این خود منجر به افزایش دی اکسید کربن می‌شود. به علاوه میانگین هزینه‌کرد گردشگر در یک کشور در حال توسعه تقریباً ۵۵۰ دلار آمریکا در هر دیدار است. و در صورتی که فقر با درآمد سالانه ۷۳۰ دلار آمریکا در سال تعریف شود. برای افزایش درآمد ۷۰۲ میلیارد دلاری فقیرترین افراد با ۷۳۰ دلار آمریکا در سال نیازمند ۱۸ میلیارد گردشگر غربی و مسافرت‌های طولانی مدت زیادی هستیم، که اگر ۲۰ درصد گردشگران غربی فرض شوند، این امر منجر به افزایش سه برابری گازهای گلخانه‌ای و در نتیجه تغییرات آب و هوایی می‌شود. اگر تغییر خطرناک جوی بررسی نشود، این امر موجب افزایش بیشتر فقر تا کاهش آن می‌شود لذا توجه به این مسئله بسیار مهم است (همان).

- گردشگری حامی فقرا و توسعه پایدار

ترکیب این دو مفهوم مخالفان و موافقان را دارد. موافقان عقیده دارند که می‌توان از گردشگری حامی فقرا به منظور محافظت و حفظ منابع محلی استفاده کرد، زیرا پروژه‌های گردشگری می‌تواند به بازداشتن افراد محلی از کاربرد غیرقانونی منابع طبیعی کمک کنند و از آنجایی که گردشگری پایدار موافق توسعه در مقیاس کوچکتر با تراکم پایین، شرکت‌های محلی، خانوادگی است، این خود مشارکت در سطح جامعه را تشویق کرده و به حداقل رساندن تأثیر گردشگری بر روی محیط و فرهنگ میزبان را مورد توجه قرار می‌دهد. اما مخالفان عنوان می‌کنند که گردشگری به عنوان ابزاری برای توسعه و کاهش فقر ممکن است به نفع دستاوردهای اقتصادی کوتاه‌مدت

بسیار ضعیف	ضعیف	قوی	بسیار قوی
انسان محوری و سودگرایی	انسان محوری و سودگرایی	دیدگاه‌های بوم‌شناختی	اخلاق زیستی و بوم‌محوری
بهره‌کشی از منابع	طرفدار حفظ منابع	طرفدار حفظ منابع	طرفداری شدید از حفظ منابع
منابع طبیعی با نرخ بهینه اقتصادی، از طریق «اقتصاد بازار آزاد» مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ براساس رضایت مصرف‌کننده عمل می‌کنند.	توزیع هزینه و درآمد حاصل از توسعه را با در نظر گرفتن برابری میان‌نسلی و درون‌نسلی اجرا می‌کند.	از برابری میان‌نسلی و درون‌نسلی طرفداری می‌کند؛ به منافع گروه، بیش از منافع مصرف‌کننده مفرد، اهمیت می‌دهد.	حقوق و ارزش‌های ذاتی طبیعت که شامل تمامی موجودات زنده می‌شود را در نظر می‌گیرد.
رشد‌گرا	رشد مدیریت‌شده و اصلاح‌شده	رشد جمعیتی و اقتصادی صفر	ضد رشد اقتصادی و جمعیت انسانی کاهش‌یافته
امکان جانشین‌سازی نامحدود سرمایه طبیعی و سرمایه انسان‌ساخت؛ رفاه مستمر که با رشد اقتصادی و نوآوری‌های صنعتی محقق می‌شود.	عدم پذیرش جانشین‌سازی نامحدود میان سرمایه طبیعی و سرمایه انسان‌ساخت؛ تأیید برخی از جنبه‌های طبیعت، به‌عنوان سرمایه حیاتی (مانند لایه اوزون)	حفظ یکپارچگی عملکردی اکوسیستم‌ها را به‌عنوان اولویت اول، و استفاده از منابع انسانی را در اولویت بعدی قرار می‌دهد.	شدیداً تحت تأثیر دیدگاه گایانیسم قرار دارد؛ به حقوق طبیعت احترام گذاشته می‌شود، از جمله عناصر بی‌جان.

مقررات تشویقی و ایجاد انگیزه برای آموزش و اشتغال مردم محلی، محیط مساعدی را برای استخدام افراد فقیر و برقراری شرایط اشتغال شرافتمندانه خلق کند.

به علاوه به منظور افزایش مشارکت افراد محلی و یافتن فرصت‌های بهتر لازم است به موارد زیر توجه شود:

- حداکثر کردن استفاده از عرضه‌کنندگان محلی و کارکنان محلی
- ایجاد و توسعه زیرساخت‌ها (جاده، آب، برق و...) و فراهم کردن امکانات مناسب در جهت توسعه گردشگری در مناطق مختلف به ویژه مناطق محروم کشور
- ایجاد زمینه مناسب اشتغال فقرا در فعالیت‌ها و مؤسسات گردشگری
- تشویق عرضه‌کنندگان محلی جهت تأمین کالا و خدمات از محل تا حد امکان
- ایجاد انگیزه لازم در بخش خصوصی به منظور تشویق سرمایه‌گذاری در مناطق محروم
- افزایش آگاهی فقرا از گردشگری و تأثیرات آن
- آموزش فقرا به منظور افزایش مهارت آنان برای کسب و کارهای کوچک

منفی به اشتراک گذاشته شوند. بدین ترتیب، با به اشتراک گذاشتن مزایا و معایب کنونی، گردشگری حامی فقرا می‌تواند با ایجاد پلی بین منافع مختلف ذینفعان مربوط به توسعه گردشگری و کاهش فقر، مؤثرتر عمل کند.

- به منظور ایجاد تعادل میان توسعه و حفاظت یک چارچوب نهادی که سطوح متعدد مشارکت را خلق کرده و ذینفعان متعدد را هماهنگ می‌سازد، باید ایجاد شود. این نوع سیستم بایستی روابط میان بازیکنان مختلف، نقش دولت، و ابزارهای موجود برای اقدام را در اهداف راهبردی مقصد در نظر گیرد.

- با توجه به اینکه کشورها دارای سیستم‌های ساختاری و سیاسی متفاوت هستند، فراهم کردن چارچوبی برای اقدام متناسب تمامی مقصدها در هر دو کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دشوار است. در حالی که اصول اصلی این نوع سیستم باید ثابت باشد، یک رویکرد انعطاف‌پذیر که شرایط خاص هر مقصد را در خود جای دهد مورد نیاز است.

- در طرف عرضه، دولت می‌تواند نقش مهمی در فراهم کردن کیفیت بالای آموزش برای ارتقای مهارت جوامع محلی جهت کمک مؤثر به اقتصاد گردشگری ایفا کند^{۱۶}. همچنین دولت می‌تواند برای مثال، از طریق ایجاد قانون کار، تصویب قانون برای ارتقای فرصت‌های برابر،

۱۲. International Center for Responsible Tourism (CRT).
 ۱۳. World Summit on Sustainable Development (WSSD).
 ۱۴. Sustainable Tourism and the Elimination of Poverty (STEP).
 ۱۵. Informal economy.
 ۱۶. برای مثال فقدان مهارت‌های زبانی و مهمان‌نوازی در موزامبیک مانعی برای افراد محلی برای مشارکت در صنعت گردشگری قلمداد می‌شود. تونس نمونه‌ای است که به نظر می‌رسد اولویت‌دهی آموزشی دولت این اطمینان را به وجود آورده که اکثریت وسیعی از مشاغل به وسیله تونسی‌ها اشغال خواهد شد. آموزش عمومی و همچنین معافیت مالیاتی ویژه آموزشی برای بخش گردشگری وجود دارد، که اگر هتل‌ها برای آموزش خودشان هزینه کنند آنها می‌توانند از آن برخوردار شوند.

Sen .۱
 Mahbub ul Haq .۲
 United Nations Development Programme.۳
 Harrison .۴
 Schipani .۵
 Pro-Poor Tourism.۶
 Benefits.۷
 Kakwani & Pernia.۸
 Deloitte & Touche.۹
 International Institute for Environment and Development(IIED). ۱۰
 Overseas Development Institute(ODI). ۱۱

فهرست منابع

- حاجی محمد امینی، صمد. (۱۳۸۷). گردشگری ابرازی برای کاهش فقر در کردستان (مجموعه مقالات سمینار تغییرات محیطی، توسعه گردشگری و کاهش فقر). تهران: جهاد دانشگاهی.
- محمودی، وحید و صمیمی‌فر، سید قاسم. (۱۳۸۴). فقر قابلیت‌تی. مجله رفاه اجتماعی، ۵ (۱۷)، ۹-۳۲.
- میچل، جاناتان و اشلی، کرولاین. (۱۳۹۲). توریسم و کاهش فقر (ترجمه علی شکوری). تهران: جامعه‌شناسان.
- Alvarez, M. (2012). *Sustainability Issues Tourism as an Instrument for Development*, A Theoretical and Practical Study. Retrieved 08 Oct 2014; from http: https://www.un.org/en.
- Anderson, W. (2019). *Critical Tourism Themes Emerging from the Sub-Saharan Africa*, Critical Tourism Studies Proceedings. Tanzania: University of Dar es Salaam.
- Ashley, A., Haysom, G. & Poultney, C. (2005). *Pro-Poor Tourism Pilots in Southern Africa. Practical Implementation of Pro-Poor Linkages by tourism Companies*. South Africa: Mboza Tourism and London: Overseas Development Institute.
- Ashley, C., Goodwin, H. & Roe, D. (2001). Pro-poor tourism strategies, expanding opportunities for the poor. *Pro-poor tourism briefing* (1), 1-4.
- Balci, E., Demek, S. & Ertuna, C. (2001). *Yoksulluk Olgusunun Deirlendirilmesi*, In engül, T. & Ersoy, M. (Ed.), Kente Göç ve Yoksulluk: Diyarbakır Örnei. METU/UPI.
- Bhowmik, S. K. & Saha, D. (2013). *Financial Inclusion of the Marginalized: Vendors in the Urban Economy*. New Delhi: Springer.
- Blake, A., Arbache, J. S., Sinclair, M. & Thea. Teles, V. (2008). Tourism and poverty relief. *Annals of tourism research*, (35), 1107-126.
- Chok, S., Macbeth, J. & Warren, C. (2017). Tourism as a Tool for Poverty Alleviation: A Critical Analysis of 'Pro-Poor Tourism' and Implications for Sustainability Western Australia, *Current Issues in Tourism*, 10(2), 144-165.
- Christie, T. I. (2002). Tourism, Growth and Poverty: Framework Conditions for Tourism in Developing Counties. *Tourism Review*, 57 (1/4), 35-41.
- Croes, R. (2012). *Tourism, Poverty Relief, and the Quality-of-Life in Developing Countries*. In M. Uysal, R. R. Perdue, & M. J. Sirgy, Handbook of Tourism and Quality-of-Life Research. Dordrecht: Springer.
- Elliot, J. A. (2006). *An Introduction to Sustainable Development*. Oxford: Routledge.
- Gartner, C.M. (2008). *Tourism, Development, and Poverty Reduction: A Case Study from NKhata Bay, Malawi*. Unpublished Master Dissertation. Canada: Waterloo University.
- Goodwin, H. (2006). *Measuring and reporting the impact of tourism on poverty*. International center for responsible tourism university of Greenwich. England: University of Greenwich.
- Harrison, D. H. (2008). A critique of pro-poor tourism. *Third World Quarterly*, 29 (5), 851-868.
- Holden. A. (2013). *Tourism, Poverty and Development*, USA & Canada: Simultaneously published.
- Jafari, J. (1990). Research and Scholarship: The Basis of Tourism Education. *The Journal of Tourism Studies*, 1 (1), 33-41.
- Lee, D., Hampton, M. & Jeyacheya, J. (2015). The political economy of precarious work in the tourism industry in small island developing states. *Review of International Political Economy*, 22(1), 194-223.
- Medina-Muñoz, D. R., Medina-Muñoz, R. D. & Gutierrez-Perez, F. J. (2016). The impacts of tourism on poverty reduction: Anintegrated research framework. *Journal of Sustainable Tourism*, 24(2), 270-298.
- Mitchel, J. (2019). *Value Chain Analysis In PRO-POOR TOURISM: Towards A Critical Understanding Of The Contribution Of Tourism To Poverty Reduction*. Englad: University of Brighton.
- ÖNEZ, Z. & ÖZGÜR, H. (2012). A Critical Theoretical Evaluation On Pro-Poor, *Tourism And Poverty Alleviation*, 19(17), 115-133 .
- Roe, D., Goodwin, H. & Ashley, C. (2002). The Tourism Industry and Poverty Reduction: A business primer, *pro-poor tourism briefing*, (2), 110-120.
- Rogers, P. P., Jalal, K. F. & Boyd, J. A. (2008). *An Introduction to Sustainable Development*. London: Earthscan.
- Sarah, H. (2015). *Pro-poor tourism and its measurement in developing countries*. Germany: AV Akademikerverlag.
- Schyvens, R. & Russel, N. (2009). *Tourism and Poverty Reduction in the South Pacific*. New Zealand: Massey University.
- Sharpley, R. (2009). *Tourism Development and the Environment: Beyond Sustainability?* London: Earthscan.
- Sharpley, R. & Telfer, D. J. (2008). *Tourism and Development in the Developing World*. Oxford: Routledge.
- Singh, T. (2018). *Aspects of Tourism, Critical Debates in Tourism*. Channel View Publications. Englad: Channel View.

- Spenceley, A. & Seif, J. (2003). *Strategies, Impacts and Costs of Pro-Poor Tourism Approaches in South Africa*, South Africa: University of Johannesburg.
- United Nation. (2012). *The Contribution of Tourism to Poverty Alleviation*, SCAPE tourism review.
- Wearing, S. (2008). Pro-poor tourism: who Benefits? Perspectives on tourism and poverty Reduction. *Publication in reviews Annals of tourism research* 35(2), 616-618.
- Whitman, S. (2008). *World Poverty*. New York: Facts on File.
- Worldwatch Institute. (2008). *State of the World: Innovations for a Sustainable Economy*. London: Earthscan.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

زندی، ابتهال. (۱۳۹۹). گردشگری حامی فقرا با رویکرد انتقادی. گردشگری فرهنگ، ۱(۲)، ۲۱-۳۲.

DOI: 10.22034/jct.2020.241622.1011

URL: http://www.toc-sj.com/article_115508.htm

